

Review of the bill of the Comprehensive Arbitration Law and the UNCITRAL

Model Law

Abstract:

Iran International Commercial Arbitration Law is undoubtedly an important development and a step forward in the process of legislation on arbitration in our country, and along with the provisions of the Code of Civil Procedure, the Iranian arbitration system to a more complete and acceptable system in terms of criteria and criteria. International advances. Therefore, the adoption of the International Commercial Arbitration Law, arbitration can lead Iran to grant more freedom to the parties to arbitration in choosing the rules and procedure of arbitration and as a result less interference of domestic courts in its process. Modeling the UNCITRAL Model Arbitration Law in drafting and approving the new law will cause investors and Iranian foreign trade parties to be afraid of referring disputes to arbitration in Iranian authorities without fear or for fear of facing unexpected rulings from Iran's domestic courts. Do not be willing to accept it in their growing contracts with the Iranian parties in the coming years. On the other hand, despite all the benefits of transparency in investment judgments, especially for the public, it can also be detrimental to the parties to the dispute, especially the investor. Increasing costs and prolonging the review process are among the most important concerns of investors. In addition, transparency is in clear conflict with the commercial principles of arbitration, such as the agreement of arbitration and its important principles of privacy and confidentiality.

Keywords: Comprehensive bill, unistral sample law, arbitration law

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵

مجید پناه بر^۱منصور عطاشنه^۲علیرضا رجبزاده^۳

چکیده

قانون داوری تجاری بین المللی ایران بیگمان تحولی مهم و گامی به پیش در روند قانونگذاری در مورد داوری در کشور ما بشمار میرود و در کنار مقررات قانون آیین دادرسی مدنی، نظام داوری ایران را به سوی نظامی کاملتر و قابل پذیرش از دیدگاه ملاک ها و ضوابط بین المللی پیش می برد. مصوب شدن قانون در عرصه داوری تجاری بین المللی، داوری می تواند ایران به سمت دادن آزادی بیشتر به دو طرف داوری درانتخاب اصول و روش داوری و در نتیجه مداخله کمتر دادگاه های داخلی در روند آن حرکت دهد. الگوگیری از قانون نمونه داوری آنستیرال در تنظیم و تصویب قانون جدید سبب خواهد شد که افراد دارای سرمایه و جانب های تجارت خارجی ایران از قرار انتقال اختلافات و دعواها به داوری در ایران بی سبب و یا از خوف روبرو شدن با آراء غیر منتظره از محاکم داخلی ایران هراسان نباشند و به قبول آن در قراردادهای روبه فزونی خود و با طرف های ایرانی در سال های اتی میل نشان دهند. از جهتی دیگر علیرغم تمام مزایایی که رعایت شفافیت در داوری های سرمایه گذاری به ویژه برای عموم به دنبال دارد، از جهاتی هم می تواند مضر به حال طرفین اختلاف به ویژه سرمایه گذار باشد. افزایش هزینه ها و طولانی شدن فرایند رسیدگی از مهمترین نگرانی های سرمایه گذاران است. علاوه بر آن، شفافیت با مبانی تجاری داوری همچون توافقی بودن داوری و اصول مهم آن یعنی خصوصی بودن و محرمانگی در تعارض آشکار است.

واژگان کلیدی: لایحه جامع، قانون نمونه آنستیرال، قانون داوری.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد بین الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

^۲ استادیار گروه حقوق، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

^۳ استادیار، گروه حقوق، واحد بین الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

داوری به معنای خاتمه دادن به دعوا و خصومت توسط شخصی به غیر قاضی و بدون رعایت این رسمی بررسی به دعاوی و مرافعه است و داور در لغت، نام خداوند متعال است و در اصطلاح کسی است که برای داوری انتخاب شده است. داوری، سازش دو طرف در ارجاع مسئولیت قضایی به شخص یا اشخاصی مرضی الطرفین است، که تجویز قانون به این توافق مشروعیت میبخشد. توافق طرفین در ارجاع اختلاف به داوری ممکن است به طریق معاهده مستقل یا شرط در ضمن عقد صورت گیرد که به موجب آن طرفین موافقت میکنند که دعوای موجود خود را، خواه در محکمه طرح شده یا نشده باشد و یا مرافعه و اختلاف احتمالی خود را که در آینده احتمال دارد حادث شود برای بازبینی و اصدار رای، به داوری یک یا چند نفر تسلیم نمایند، تدوین یک قانون مناسب در زمینه داوری یکی از دغدغه های اصلی کشورها برای جذب هر چه بیشتر اشخاص به داوری می باشد. با توجه به تورم قضایی رجوع به داوری و حتی میانجگری مورد توجه قرار گرفته و گرایش به داوری روز به روز افزایش یافته و مراکز داوری متعددی ایجاد شده است، اهتمام کانون داوری اتاق ایران برپا شده در تهران و نیز مرکز داوری اتاق تهران و همچنین کانون و مرکز داوری منطقه ای تهران (بین المللی) و اتاق های بازرگانی و داوری در مراکز استان های مختلف نشان دهنده گسترش داوری می باشد، و یکی از مهمترین مصادیق داوری، دیوان داوری ایران و آمریکا است که از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و اهمیت داوری را بیشتر آشکار می نماید و البته کشورها به منظور ایجاد بستری مناسب برای در نظر گرفتن هر چه بهتر نیازها سعی در اصلاح قوانین داوری خود دارند. یکی از قوانین مدرن در زمینه داوری، قانون نمونه و الگو داوری آنسیترال است که این قانون به عنوان قانونی پیشرفته مورد استقبال بسیاری از کشورها واقع شده است، که کارهای مدرنی برای تسهیل انجام امور مربوط به داوری و کاهش از موارد دخالت دادگاهها و محاکم در پروسه داوری و موانع موجود در اجرای آرای داوری در نظر گرفته است. اخیراً، ایران نیز در راستای بهبود قوانین داوری خود در صدد ایجاد لایحه جامعی برای تلفیق داوری تجاری بین المللی با داوری داخلی بر آمده است. هر چند این لایحه گامی رو به جلو در تدوین قوانین مربوط به داوری داخلی در ایران به حساب می آید اما انتقاداتی بر لایحه در مقایسه با قانون نمونه آنسیترال وارد است. قانون جامع داوری باید به دنبال چه اهدافی باشد آیا منافع افراد باید در نظر گرفته شود یا منافع جامعه و اصولاً هدف لایحه قانون جامع داوری کمک به دستگاه قضایی در راستای حل و فصل دعاوی بدون مراجعه به محاکم قضایی است یا اینکه ایجاد استقبال عمومی در مراجعه به داوری با اندیشه یاری رساندن به مردم و حفظ منافع آنان است و در این راستا آیا به امکان تحصیل دلیل پرداخته شده است؟ و اینکه برای رسیدن به مطلوب، ساختار حقوقی نظام داوری باید از کدامیک از سیستم های واحد یا دوگانه پیروی نماید؟ هر چند در لایحه قانون جامع داوری صرفاً امکان ارزیابی دلائل پیش بینی شده اما به نظر می رسد، اعطای قابلیت تحصیل دلیل در جریان داوری و در راستای اصلاح لایحه جامع داوری امری اجتناب ناپذیر خواهد بود، به طور کلی نظام داوری داخلی ایران از ایده های سنتی رنج می برد که با رویکردهای مدرن بین المللی سازگاری ندارد که با اصلاح قانون داوری ایران و ایجاد یک سیستم واحد در داوری داخلی و بین المللی مسیر رسیدن به مطلوب را میتوان هموار نمود.

اهداف پژوهش:

هدف از این مقاله، بررسی فقهی و حقوقی لایحه قانون جامع داوری و سعی و تلاش در رفع معایب آن است بنحوی که با بررسی قانون نمونه آنستیرال به عنوان یک قانون مدرن و نیز با نگاهی به تجربیات عملی داوری در سراسر دنیا این امکان به وجود آید تا در راستای نتایج این مقاله، کمک شایان توجهی به قانون گذار در راستای تدوین یک قانون مدرن داوری صورت پذیرد.

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری به صورت کتابخانه ای خواهد بود. بدین ترتیب که کتب و نشریات و مقاله های مرتبط با موضوع پایان نامه شناسایی شده است. سپس با مطالعه آنها موضوعها و مطالب قابل استفاده انتخاب و مورد بهره برداری قرار گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات به شکل فیش برداری خواهد بود.

پیشینه تحقیق

خدابخشی (۱۳۹۳)، در کتابی که نگارش کرده در باب حقوق داوری و اسباب مربوط به آن در رویه قضایی، به بررسی مزایا و معایب داوری و لزوم تخصص بالا برای رسیدگی به اختلافات در چارچوب داوری به عنوان یکی از دقیق ترین مسائل پرداخته به نحوی که در هنگام تفسیر قرارداد داوری، انتخاب داور و اجرای رای داور و ابطال آن دشواریهای شکلی و ماهوی بسیاری ایجاد می شود، لکن در مورد لایحه قانون جامع داوری بحثی به میان نیاورده است.

شیروی (۱۳۹۱)، با بررسی قوانین داوری تجاری بین المللی مفهوم و موضوع داوری و داوری پذیری در امور داخلی و بین المللی مورد تبیین قرار گرفته است در خصوص لایحه قانون جامع داوری مبحثی ندارد. بهبهانی (۱۳۹۵)، به بررسی اهمیت داوری از منظر فقه امامیه و ضرورت ارجاع دعاوی به داوری پرداخته و علی رغم اینکه رویه عملی دادگاهها حاکی از آنست که داوری از اهمیت واقعی خود دور مانده، توسعه نهاد داوری امری لازم و اجتناب ناپذیر است.

ابریشمی و محبوب (۱۳۹۴)، به بررسی نظام حقوقی ساختار داوری و سیستم های تنها دو گانه پرداخته است. جعفرزاده (۱۳۹۶)، در این تحقیق به بررسی چگونگی تحصیل ادله اثبات دعوا توسط مرجع داوری در حقوق ایران و داوری تجاری بین المللی پرداخته است.

توکلی و طبائی (۱۳۹۴)، با توجه به پیشرفتهای تکنولوژی و فناوری و لزوم بهره مندی از اینترنت و ابزار الکترونیک به بررسی امکان داوری اینترنتی پرداخته است.

جهان تیغ فرد (۱۳۹۵)، در خصوص نوآوریهای قانون پیش نویس داوری و تمیز آن از میانجیگری و بررسی آیین رسیدگی فعلی حاکم بر داوری در حقوق ایران و نیز ارزیابی لایحه قانون جامع داوری بر آمده است.

افتخار جهرمی (۱۳۷۸) که در این مقاله به دگرگونی های بنیاد داوری در قوانین موضوعه ایران و پیشرفتهای آن در حیطه ی داوری بین المللی پرداخته است.

صفایی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به داوری بر پایه انصاف و داوری با اختیار صلح پرداخته است و ماهیت دوگانه داوران صلح و وکیل در سازش پرداخته است.

حسین آبادی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به ابطال رای داور در گردهمایی صدمین سال تاسیس بنیاد داوری در حقوق ایران به بحث و بررسی در خصوص شرایط داوری و صدور آرای داوری و چگونگی ابطال رای داور پرداخته و در مورد لایحه جامع داوری مباحثی نداشته است.

مبانی نظری

تعریف داوری

برای درک صحیح از داوری، لازم و ضروری است که بدوا مفهوم داوری مورد بررسی قرار بگیرد هر چند ارائه یک تعریف جامع و مانع امری دشوار خواهد بود. لیکن ارائه تعریفی که بتواند بطور کلی موضوع را بیان نماید و مفهوم آن را نشان دهد راهگشا خواهد بود شناخت این روش حل و فصل اختلاف مستلزم توضیح و شناخت مفهوم لغوی و اصطلاحی آن می باشد که در ابتدای امر به آن پرداخته می شود. داوری در لغت به منظور قضاوت کردن، حکمیت، محاکمه کردن، حکومت و حکم است و کلمه داور در واقع داور بوده است و به مفهوم صاحب و دارنده ی داد پس به جهت تخفیف دال ثانی را کنار گذاشتند. و به معنای عادل است و در اصطلاح کسی است که برای قطع و فصل مرافعه دو یا چند تن انتخاب شود. (دهخدا، ۱۳۷۷). برخی از حقوقدانان داوری را به جهتی از میان بردن دعوا توسط یک یا چند نفر بطریق فصل خصومت قضات دادگاه های رسمی تعریف کرده اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵). که به فصل خصومت توسط غیر قاضی بدون رعایت آیین دادرسی مدنی اشاره دارد. بنابراین داوری را می توان حل اختلاف از رهگذر اشخاص خصوصی با توافق طرف های دعوی تلقی نمود. که در پاره ای موارد به حکم قانون ارجاع دعوی به داوری صورت می پذیرد که از مصادیق داوری اجباری می باشد (نیکبخت، ۱۳۸۸).

تعریف داوری در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب شده در سال ۱۳۷۹

با وجود اینکه داوری در قانون آیین دادرسی مدنی می شد گره گشای بسیاری از ابهامات و مشکلات باشد. لیکن قانون گذار در تدوین این قانون به این امر مهم نپرداخته و داوری را بدون تعریف رها نموده است لیکن از مجموع مواد ۴۵۴-۴۵۵ از قانون مذکور می توان دریافت که داوری از دیدگاه این قانون عبارتند از حل و فصل اختلاف از طریق مراجعه به اشخاص خصوصی (اشخاص حقیقی) که با تراضی طرفین اختلاف در یک امر حقوقی صورت می پذیرد. هر چند استثناء کردن اشخاص خصوصی جهت انجام امر داوری، در قانون مذکور دارای ایراد است و این استثناء از عبارت «به داوری یک یا چند نفر» فهمیده می شود زیرا اصطلاح نفر به اشخاص حقیقی نظر دارد نه شخص حقوقی، به هر حال در داوری هایی که به اشخاص حقوقی ارجاع می دهد، صرفا از

نظر اداری و تشکیلاتی، امر داوری مدیریت می شود و نهایتاً شخص حقیقی است که داوری را انجام می دهد بنابراین چنین استثناء هر چند غیر مستقیم در قانون مذکور قابل ایران و شایسته اصلاح است (جباری زاده، ۱۳۹۰).

تعریف داوری در قانون نمونه آنسیترال

قانون نمونه آنسیترال در فصل اول بند الف ماده ۲ تحت عنوان تعاریف و قواعد تفسیر در تعریف داوری اینگونه بیان می دارد: «به منظور اجرای این قانون: الف: منظور از داوری هر نوع داوری است، اعم از اینکه توسط یک نهاد دائمی داوری اداره شود یا خیر، و در فصل دوم در گزینه اول ماده ۷ در تعریف موافقتنامه داوری که به طور غیر مستقیم به تعریف داوری نیز اشاره ای نموده، اینگونه بیان میکند: عهدنامه داوری توافقی است بین دو طرف دعاوی که به موجب آن تمام اختلافات یا اختلافات معینی که در مورد یک رابطه حقوقی خاص اعم از قرار دادی یا غیر قرار دادی، بین آنها پیش آمده یا ممکن است پیش آید به داوری واگذار میکند، موافقتنامه داوری میسر است به صورت شرط داوری در ضمن یک قرارداد یا مانند یک قرارداد جداگانه باشد (مجبی و همکاران، ۱۳۹۷). همانگونه که ملاحظه می گردد در قانون نمونه آنسیترال نیز تعریف جامع و مانعی از داوری وجود ندارد و اصول آنسیترال به تعریف داوری نپرداخته و شاید به دلیل جامع الشمول بودن امر داوری، تدوین کنندگان آنسیترال خواسته اند تا ارائه تعریف جامع، توسط قوانین داخلی کشورها انجام شود تا بدین صورت قانون نمونه آنسیترال با استقبال بیشتری از سوی کشورهای مختلف همراه باشد. به هر روی در قانون نمونه آنسیترال با توجه به مجموع مواد فوق الذکر می توان به تعریفی هر چند محدود دست یافت، آنجا که در تعریف موافقتنامه داوری به طور غیر مستقیم به تعریفی محدود از داوری پرداخته، می توان اینگونه فهمید، که داوری، رسیدگی به کشمکش و اختلافات برگرفته از یک رابطه حقوقی خاص اعم از قراردادی یا غیر قراردادی بین دو طرف دعاوست که بر مبنای شرط داوری ضمن یک قرارداد یا به صورت قرارداد مستقل داوری به وجود آمده است (ویس، ۲۰۱۰).

تعریف داوری در لایحه و بارقه قانون جامع داوری ایران

ماده ۱ لایحه اشعار می دارد: اشخاص می توانند قبل یا بعد از حدوث یا طرح اختلاف در دادگاه با رعایت مقررات آمره، حل و فصل اختلاف خود را به داور ارجاع نمایند تا داور با رعایت اصول بنیادین دادرسی بصورت مستقل و بی طرفانه و حتی المقدور سریع، کم هزینه، محرمانه، تخصصی، با حداقل تشریفات، با لحاظ کرامت و جایگاه اصحاب دعوی فصل خصومت نماید و بندهای ۲ و ۳ ماده ۲ لایحه مذکور بیان می دارد: بند ۲: داور عبارت از شخص حقیقی است که بصورت مستقیم یا غیر مستقیم از سوی طرفین و با ساز و کار مقرر در قانون انتخاب می شود که شخصا اقدام به حل و فصل اختلاف کند. داور همواره شخص حقیقی است و بند ۳ اعلام می دارد: داوری عبارت است از رفع شدن اختلافات دو طرف دعوا به وسیله شخص یا اشخاصی (داور) که مستقیم یا غیر مستقیم بر اساس توافق طرفین و با ساز و کار مفید در قانون انتخاب می شوند. تعریف ارائه شده در لایحه قانون جامع داوری هر چند نسبت به قانون داوری تجاری بین المللی و نیز تعاریف بی واسطه ارائه شده در قانون آیین دادرسی مدنی و قانون نمونه آنسیترال از جامعیت بیشتری برخوردار است که وامدار بیان ویژگی های داوری بوده، لکن به لازم الاجراء بودن رأی و تصمیم داور اشاره او تصریحی ننموده است که از این منظر قابل ایراد

است. به هر حال ارائه هر تعریفی از داوری مانند سایر تعاریف های ارائه شده از نظر جامع و مانع بودن قابل انتقاد خواهد بود و شاید به همین دلیل همانگونه که دیدیم در قانون نمونه داوری آنسیترال نیز تعریف صریحی از داوری ارائه نشده است (زندى، ۱۳۸۸).

داوری در فقه شیعه

در فقه وایین اسلامی، داوری امری شناخته شده است و فقها و بزرگان دینی آن را معتبر می دانند، در فقه به داور قاضی تحکیم می گویند، در کل در فقه تشیع قضاوت کردن مخصوص امام معصوم (ع) یا نایب مأذون از سمت او یعنی فقیه جامع الشرایط است که دارای شرایطی مهم و عمده یعنی اجتهاد و عدالت می باشد. معذالک اصحاب دعوی می توانند طی عقد تحکیم به جای قاضی شرع به داوران منتخب خود مراجعه کنند که در این صورت تصمیم او معتبر و لازم الاجراست و قدر مسلم آن است که بجز امور کیفری دستکم در در دعوا و مشکلات مالی مراجعه به داور (قاضی تحکیم) مجاز و حکم او برای دو طرف دعوا لازم الاجراست (محمدی گیلانی، ۱۳۷۳).

معنی قاضی تحکیم در عرف و اصطلاح فقها آن است که طرفین اختلاف شخصی را به عنوان حکم تعیین می کنند و به حکم او رضایت می دهند و این امری است که به ویژه در دوران قدیم بین مردم مرسوم و شایع بوده است و طرفین می توانستند با توافق، شخصی را که دارای صفات عدالت، کمال و اجتهاد باشد به عنوان حکم انتخاب نمایند، چه دسترسی به قاضی منصوب داشته یا نداشته باشد و نظر شخصی مزبور برای آنها الزام آور بوده و حق امتناع از پذیرش رأی و خروج از توافقات خود را نداشته پیامبر اکرم (ص) می فرماید کسی که بین دو نفر با توافق آنها حکم دهد و به عدالت حکم ندهد لعنت خداوند بر او خواهد بود که این امر نشان می دهد، حکم داور نسبت به طرفین الزام آور بوده و الا صحبت از لعن نمی شد (خدابخشی، ۱۳۹۳).

اهمیت فقهی داوری

در خصوص ماهیت داوری، اکثر فقهای امامیه داوری را قضاوت تحکیمی می دانند اما عده ای دیگر، داور را وکیل دو طرف اختلاف دانسته و معتقد هستند که داوری صورتی از وکالت است، این تئوری اگر چه در بین محدودی از فقهای امامیه دیده می شود اما بیشتر بزرگان و فقیهان اهل سنت به ان اعتقاد دارند

الف - نظریه قضاوت تحکیمی

همانگونه که بیان شد، مبنای داور در شریعت از آیه ۳۵ سوره نساء است که بیان میکند اگر از وقوع جدایی بین زوجین نگران بودید فرمائی بین خانواده مرد و فرمائی را بین خانواده زن برگزیند. باتوجه به بحث داوری و حکمیت که زمان وقوع اختلاف میان زوجین و جدایی بین آنها در آیه کریمه قرآن مطرح گردیده و فقها در بحث جدایی کتاب نکاح، آنرا مطرح کرده اند، دعوا و نزاع های خانوادگی خصوصیت انچنان ویژه ای ندارد و فقها آنرا به سایر موارد داوری تعمیم داده اند، اکثر فقهای مذهب امامیه معتقداند دستور در این آیه قاضی تحکیم است و غایت تعیین حکم بین زن و شوهر بصورت توکیل نمی باشد چرا که تجلی فرمایش خالق هستی در این آیه بر تحکیم است چون فرموده فابعثوا حکما و نگفته فابعثوا وکیلا به امانات و قضاوت هستند به مانند السارق و السارقة فاقطعوا ایدیهمما و الزانیه و الزانی فاجلدو، در آیه مورد بحث نیز خطاب مطلق است و مخاطب آن زن و شوهر نیستند (قربانیان، ۱۳۹۰)

ب - نظریه وکیل بودن

نظریه وکیل بودن داور در بین فقهای اهل سنت همچون ابوحنیفه بیان گردیده است از میان فقیهان تشیع مرحوم ابن براج در کتاب الکامل فی الفقه تئوری توکیل را پذیرفته اما در آثار بعدی خود از این نظر عدول کرده است و همان نظریه تحکیم را پذیرفته است و دلیل این عدول را تبعیت توکیل از مقررات و شرایط وکالت ذکر کرده است در میان علمای اسلامی، در میان برخی از فقهای عامه که مرحوم فاضل هندی توکیل را به مذهب مالکی و شافعی نسبت داده است اینان معتقدند که در پیوند ازدواج، بضع حق و سهم زوج و مال سهم و حق زوجه است و زوجین هر دو مکلف و رشید هستند و هیچ کس بر آن در ولایت ندارد پس تنها افرادی می توانند در باب روابط میان آنها تصمیم بگیرند که از سوی آنها، اجازه داشته باشند و الا اصل عدم ولایت بر شخص بالغ و رشید نقض می شود و دلیل دیگر را اینگونه بیان می کنند که چون در قاضی چه منصوب و منتخب اجتهاد شرط است و در داوری اجتهاد شرط نیست پس داوران قاضی نیستند و وکیل به حساب می آیند، لکن باید گفت با توجه به قاعده فقهی الحاکم ولی الممتع با توجه به اینکه اگر زوجین بر شقاق و جدایی اصرار داشته باشند ممتنع و محال از انجام وظیفه شرعی محسوب می شوند و اگر چه بالغ و رشید و حاکم ولی ممتنع محسوب می گردد و می تواند زوجین را به تمکین مجبور نماید و در اینجا نیز حاکم بعد از برگزیدن حکم و داور، زن و شوهر را مجبور به پذیرفتن حکم داور می کند، نکته دیگر اینکه حاکم در حقیقت کسی است که داوران را بر می گزیند و داوران به منزله وکیل او هستند و در تمام امور اجتهاد او شرط نبوده، و در امور جزئی و معین اجتهاد و فقاها شرط نیست و این امور را می توان به شخص غیر مجتهد یعنی یکی از افراد مردم سپرد. بنابراین می توان پذیرفت که ماهیت فقهی داور، همان قضاوت تحکیمی است و با مفهوم وکالت، منافات داشته و داور را نباید وکیل طرفین اختلاف تلقی کرد چه در این صورت وکیل باید مصالح و منافع موکل خود را در نظر آورد. در جایی که رأی داور می تواند بر علیه یکی از طرفین اختلاف یا هر دو آنها باشد (تمجیدی، ۱۳۹۰).

ساختار نظام داوری

سیستم داوری دو گانه یا سیستم داوری واحد

بعضی از کشور ها نظام قانونی واحد را برای قانون داوری خود بر می گزینند. در نظام های واحد مجموعه مقررات یک قانون واحد هم بر داوری های داخلی و هم بر داوری های بین المللی حاکم می گردند بدون آنکه ضابطه ای برای تشخیص داوری داخلی و بین المللی از هم در نظر گرفته شود. از طرف دیگر برخی از کشور ها سیستم قانونی دو گانه را برمیگزینند و برای داوری های داخلی و داوری های بین المللی اصول جدایی راتصویب می نمایند. برقراری سیستم دو گانه در بعضی مواقع در یک مجموعه قوانین واحد و گاهی نیز در دو مجموعه مجزا انجام می شود (ابریشمی، ۲۰۱۵).

تعداد زیادی از کشور های در حال توسعه و توسعه یافته با به کار بردن تغییرات در قوانین داوری خود و حاکم کردن نظام قانونی واحد رغبت خود را به تاسیس یک سیستم و نظام یکسان نشان داده اند. در اروپا، اسکاتلند در سال ۲۰۱۰ سیستم دوگانه حاکم بر قانون داوری خود را کنار گذاشت و قانون داوری نوینی را بر مبنای سیستم قانونی واحد بنا نهاد. همین طور، بلژیک در سال ۲۰۱۳ قانون داوری جدیدی را به تصویب رساند که بدون تمایز قائل شدن بین داوری بین المللی و داوری داخلی، بر هر دوی آنها حاکم می باشد. در کشور های دیگری

مانند انگلیس، اسکاتلند، آلمان و سوئد نیز نظام واحد بر داوری حاکم می‌باشد. در جنوب شرقی آسیا، هنگ کنگ به عنوان کشوری که انتخاب آن به عنوان مرکز داوری مورد تأیید و احترام همگان می‌باشد، نظام و سیستم قانونی یکسانی را بر داوری حاکم ساخت (شیروی، ۱۳۹۱).

در ونزوئلا، بولیوی، آمریکای لاتین و کشورهای پرو دارای قانون داوری یکسان هستند که هم بر داوری داخلی و هم بر داوری بین‌المللی اجرا می‌شود. در عربستان سعودی، شمال آفریقا، مصر و عربستان سعودی از سیستم واحد تبعیت می‌نمایند. با دقت در کشور های فوق‌الذکر ملاحظه می‌گردد که تعداد کثیری از بازیگران اصلی داوری بین‌المللی در دنیا، نظام قانونی واحدی را بر داوری خود چیره ساخته‌اند. تغییراتی که اخیراً توسط کشور هایی چون بلژیک، هنگ کنگ و اسکاتلند انجام شده نشان از میل و رغبت کشور ها به تغییر نظام قانونی دوگانه و پیروی از نظام قانونی یکسان‌بازگو می‌کند. با در نظر گرفتن تعداد زیادی از کشور های توسعه یافته و پیشرفته در داوری که نظام داوری یکسان را اتخاذ کرده‌اند می‌توان فهمید که که نظام داوری واحد، انتظارات از نظام داوری پیشرفته را چه از لحاظ ساختاری و چه از لحاظ ماهیتی و محتوایی بهتر تأمین می‌نماید. دلایل اصلی این انتخاب عبارتند از:

نظام قانونی واحد و یکسان متناسب با نیاز های داوری، وضوح و اطمینان مورد نیاز و مطالبه تجارت بین‌المللی را فراهم می‌آورد. ۲- معیار بین‌المللی بودن اهمیت خود را برای تفکیک داوری داخلی از بین‌المللی از دست می‌دهد و در نتیجه ابهام موجود در تشخیص اینکه آیا داوری داخلی است یا بین‌المللی موضوعیت نخواهد داشت. ۳- سیستم واحد منجر به پیشرفت و مدرن شدن داوری داخلی نیز می‌گردد. ۴- سیستم داوری واحد بر مبنای قواعد مدرن داوری، نه تنها اشخاص و تجار خارجی بلکه اشخاص و تجار داخلی را نیز برای ارجاع اختلافاتشان به داوری تشویق می‌نماید. ۵- یک سیستم واحد مدرن و پیشرفته می‌تواند تأثیر به‌سزایی در توسعه اقتصادی از طریق جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی داشته باشد

تأثیر قانون نمونه آنسیترال به مانند مدل مناسب برای یکنواخت کردن قوانین

در دهه پنجاه سعی برای به وجود آوردن یک قانون داوری تجاری بین‌المللی با غایت رهایی از محدودیت های حقوق داخلی، ناموفق بود. قوانین داوری از کشوری به کشور دیگر به طور گسترده ای با یکدیگر تفاوت داشت و قانونگذاران ملی در زمان وضع قوانین داوری عمدتاً به اصول موجود در حقوق و سیستم قانونگذاری خودشان تکیه می‌کردند. به همین دلیل وکلای فعال تجارت بین‌الملل در مذاکرات قراردادی در خصوص پذیرفتن شرط داوری ارجاع دهنده به قوانین داوری که با آنها آشنا نبودند، تعلل می‌ورزیدند. این تعارض قوانین، مانعی بزرگی در توسعه داوری تجاری بین‌المللی و تجارت بین‌الملل محسوب می‌شد تا اینکه در سال ۱۹۸۵ قانون نمونه داوری توسط آنسیترال در جهت رفع این مشکل تدوین گردید. هر چند قانون نمونه بعنوان مقررات غیر الزام آور بوده و صرفاً راهنمایی برای قانونگذاری محسوب می‌شود اما تصمیم آنسیترال برای ایجاد قانون نمونه به جای تهیه کنوانسیون بسیار قابل تحسین بود (موزز^۲، ۲۰۱۲)

^۲ Mosses

قانون نمونه آنستیرال در میان کشورها، بسیار مورد توجه قرار گرفته است و تا سال ۲۰۱۶ کشور قانون نمونه را پذیرفته اند. تعدادی از کشورها بدون تغییر یا با تغییرات جزئی قانون نمونه را مورد پذیرش قرار دادند. هر چند کشورها قانون نمونه را با توجه به ویژگی های خاص سیستم داخلی خودشان مصوب کرده اند، اما اساس اصلی قانون نمونه در این قانونگذاری ها حفظ شده است. در واقع، قانون نمونه دارای نفوذ و تأثیر زیادی می باشد که تمام کشورهایی که میل به مدرنیته سازی قوانین داوری خود دارند به نوعی قانون نمونه را مورد عنایت قرار می دهند. با این حال باید میان قوانینی که از قانون نمونه الهام گرفته اند و تحت تأثیر آن بوده اند. کشورهایی همچون اسکاتلند، سوئد و انگلیس و نیز قوانینی که تعداد و شوری سابق تبدیل گردیده بود. سوئد با اصلاح قانون خود تلاش داشت تا مقر خود را به عنوان مرکزی برای رسیدگی به امنازعات ارجاع داده شده به داوری بین شرق و غرب حفظ نماید که با لحاظ کردن یک سیستم داوری یکسان و جامع در تحقق این امر موفق بوده است (لندولت^۳، ۲۰۱۲).

تأثیر قانون نمونه آنستیرال در مدرن ساختن داوری داخلی

نظام داوری ایران تا سال ۱۳۷۹ نظام قانونی یکسان مبتنی بر ایده و نظرهای قانون گذاری سال ۱۳۱۸ بود. عدم موفقیت اصول داوری داخلی در برآورده کردن نیاز های تجارت بین الملل قانون گذار را بر آن واداشت تا نظام داوری یکسان خود را به سیستم دوگانه تغییر دهد. اگر چه تغییر سیستم داوری واحد ایران به سیستم دوگانه در نتیجه تصویب قانون داوری تجاری بین المللی مبنی بر قانون نمونه مورد استقبال حقوقدانان ایرانی قرار گرفت (سیفی، ۱۳۷۷)، اما این تغییر ساختار تحول شگرفی را در توسعه و ترویج داوری در ایران بوجود نیاورد. یکی از اهداف ایجاد لایحه جامع داوری ایجاد تغییر در ساختار قوانین داوری و ایجاد ساختار متناسب با نیازهای داوری در ایران است. در همین راستا قوه قضائیه در مقدمه توجیهی لایحه مقرر می دارد:

در ایران هر چند در قوانین متعددی از جمله آئین دادرسی مصوب سال ۱۳۱۸، قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، قانون داوری تجاری بین المللی سال ۱۳۷۹ و قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی مصوب ۱۳۸۰ نهاد داوری همواره مورد توجه قرار گرفته است اما بویژه در داوری داخلی، این نهاد آن چنانچه باید مورد استقبال قرار نگرفته که ماحصل آن تراکم پرونده ها در مراجع رسمی و دادگستری است. به نظر می رسد مهم ترین علت این عدم استقبال نبود زیر ساخت های لازم از جمله ساختارها و مقررات قانونی است (محسنی و همکاران، ۱۳۸۴).

سیستم قانونی واحد در داوری

گرایش غالب در دنیا به سمت سیستم واحد می باشد و حاکم شدن یک سیستم قانونی واحد بر داوری داخلی و بین المللی باعث شفافیت و سهولت فهم کل سیستم داوری یک کشور می گردد. در حال حاضر، متأسفانه نظام داوری ایران دیدگاه محدود کننده نسبت به آزادی دو طرف اختلاف دارد و در پی تدوین و نوشتن قوانینی کامل و با دادن اختیار بیش از اندازه به محاکم ها برای دخالت در پروسه داوری می باشد. این نگرش ابتدا در قانون داوری داخلی موجود بود که سپس به نحوی به قانون داوری بین المللی ایران نیز سرایت کرد و در نهایت اثرات

^۳ Landolt

آن در لایحه جامع داوری نیز مشهود است. اولین مبادرت که باید برای رفع این مشکل صورت پذیرد تغییر دیدگاه نسبت به داوری چه در داوری داخلی و چه در داوری بین‌المللی می‌باشد. برای رسیدن به این غایت و هدف لازم است نظام یکسانی بر اساس رویه‌های مدرن داوری در ایران ایجاد شود.

تاسیس سیستم داوری واحد بر اساس قانون نمونه آنسیترال با حداقل تغییرات می‌تواند بهترین راهکار برای ایران باشد. امکان دارد عده‌ای بر این تصور باشند که داوری داخلی نباید از اساس داوری بین‌المللی پیروی کنند و باید محدودیت‌های نسبتاً بیشتری در مقایسه با داوری بین‌المللی بر آن بار شود. در مقام پاسخ به این استدلال باید گفت ورود رویه‌های مورد استقبال فعالان داوری به قانون داخلی یک کشور نه تنها ایراد عقلی و قانونی ندارد بلکه نشان‌دهنده افق دید مثبت قانون‌گذار برای ایجاد دگرگونی در سیستم داوری بویژه سیستم داوری داخلی می‌باشد. همانطور که در خصوص دلایل ذکر شده در مورد قانون بلژیک برای حاکم ساختن قانون نمونه در داوری داخلی بیان شد، دلیلی ندارد تا داوری داخلی از مزایا و ویژگی‌های رویه‌های داوری بین‌المللی محروم گردد (بورن^۴، ۲۰۱۱).

بنابراین می‌توان گفت کشورها با هدف ایجاد شفافیت و آسانی در فهم و تفسیر قوانین خود و جذب هر چه بیشتر اشخاص به داوری با پیروی از قانون نمونه یا با تاثیر گرفتن از آن، سیستم قانونی واحد را بر قوانین داوری حاکم ساخته‌اند. همانگونه که از بررسی چارچوب قوانین داوری در ایران مشخص گردید، متأسفانه سیستم داوری داخلی ایران از ایده‌ها و افکار قدیمی‌ای رنج می‌برد که با رویه‌های مدرن بین‌المللی سازگاری ندارد. برای رفع این معضل، ایران می‌تواند قانون داوری واحد بر مبنای قانون نمونه آنسیترال با حداقل تغییرات ایجاد نماید و یا پا را فراتر از قانون نمونه گذاشته و با پر کردن خلا‌های آن قانون جامعی مانند انگلیس و اسکاتلند و سوئد به تصویب برساند. این روش مناسب‌ترین گزینه برای سیستم داوری ایران می‌باشد زیرا علاوه بر اینکه شفافیت و سهولت در فهم و تفسیر قوانین داوری ایران را در پی خواهد داشت، باعث ایجاد تحول در ایده‌ها و افکار قدیمی سایه افکننده بر قانون داوری داخلی ایران، قانون داوری بین‌المللی و همچنین لایحه پیشنهادی خواهد گردید.

نتیجه‌گیری

^۴ Born

امروزه با توجه به گسترش استفاده از داوری به عنوان کارآمدترین و مؤثرترین راهکار حل و فصل اختلاف، توجه فعالان تجاری به ویژه در روابط میان دولت ها با اشخاص خارجی، به داوری تجاری بین المللی دو چندان شده است. اهمیت این راهکار تا بدانجا رسیده است که منجر به ایجاد قالب جدیدی از داوری با عنوان داوری سرمایه گذاری شده است. داوری سرمایه گذاری که مبتنی بر معاهدات سرمایه گذاری دو یا چند جانبه است می کوشد تا اختلافات ناشی از چنین معاهداتی را که می توانست با توسل به قواعد حقوق بین الملل حل و فصل شود با استناد به شرط داوری مندرج در معاهدات سرمایه گذاری حل و فصل کرده و با تبدیل دعاوی قراردادی به دعاوی معاهده ای، مانع استفاده یا سوء استفاده دولت به منظور رهایی از تعهدات ناشی از معاهدات شود. با این حال نظر به وضعیت برتر دولت در مقایسه با طرف دیگر اختلاف، این احتمال همواره وجود داشته تا دولت به بهانه حاکمیت یا به اعتبار قدرت برتر خویش، با پنهان کاری حقایق و وقایع، در صدد تضییع منافع عموم موجود در چنین داوری هایی بر آید. این موضوع و نظر به نقش قاعده ساز دیوان های داوری همانند دولت ها در دعاوی ناشی از سرمایه گذاری ها موجب شد تا آنسیترال پس از سال ها بحث و مذاکره، در ژوئیه ۲۰۱۳، قواعد آنسیترال را درباره درستی در داوری اختلافات بین سرمایه گذاران و دولت های میزبان بر اساس معاهدات حمایت از سرمایه گذاری معروف به اصول شفافیت در ۸ ماده به تصویب برساند.

این قواعد هر چند تجربه نخست و معیار تمام عیار شفافیت در داوری نیست، از آن جهت که آن فرایند و چارچوب شکلی و سازمانی که طی آن شفافیت به نحو آشکار و همسو با رویه ها تضمین می شود را ارائه می دهد، گامی بلند به حساب می آید. قواعد شفافیت که اصولاً در داوری اختلافات ناشی از معاهدات سرمایه گذاری بین دولت و سرمایه گذار که در تاریخ ۱ آوریل ۲۰۱۶ یا پس از آن منعقد شده است، شروع شده، اعمال می شود، طرفین یا دیوان داوری را مکلف کرده است در جهت تضمین شفافیت، اطلاعات و اسناد مرتبط با داوری را در آغاز و ضمن جریان رسیدگی و جلسات استماع، در اختیار امین تعیین شده قرار دهند. امین نیز با قراردادن این اطلاعات در پایگاه دادهای که بدین منظور طراحی شده است، آن را منتشر کرده و در دسترس عموم قرار می دهد. از نکات برجسته این قواعد، مداخله شخص ثالث در داوری است که وی می تواند به عنوان یاور و دوست مرجع داوری، با تقدیم لایحه و تبیین امور حکمی و موضوعی به شفافیت بیشتر داوری کمک کند. از آنجا که تمامی اطلاعات و اسناد از این قابلیت برخوردار نیستند تا در دسترس عموم قرار گیرند، این قواعد، ضمن مستثنا کردن اطلاعات محرمانه یا حفاظت شده از افشا، در مواردی هم که در دسترس قراردادن اطلاعات به عموم، خطری برای یکپارچگی و تمامیت فرایند داوری به همراه دارد، مانع از افشا آنها شده یا حکم به تأخیر آنها می دهد. از سویی دیگر حضور حقوقدانان و وکلای خارجی بین المللی در مراجع داوری ایران و برخورد آراء و نظرات حقوقدانان ایرانی با همتایان خارجی خود بر غنای آراء صادره افزوده و تحول ریه قضایی ناظر بر داوری در ایران را شتاب خواهد بخشید و بویژه حقوقدانان و وکلای ایرانی را که باید برای برخورد با شرایط و مقتضیات نوین پرونده های مطروحه و یافتن راه حقوقی برای آنها مطالعات و بررسی های خود را از حوزه حقوق و منابع داخلی به میدان بسیار وسیع تر حقوق تجارت بین المللی گسترش دهند، با سیر تحولات حقوقی بین المللی و نقش انصاف در حل و فصل اختلافات بین المللی و احترام به انتظارات منطقی طرفین در روند رسیدگی و صدور

حکم دادرسی بین‌المللی آشنا تر خواهد کرد، و این همه بیگمان بر توسعه و بهبود نهاد دادرسی در دعاوی داخلی و رفع کاستی‌های آن تأثیری شگرف خواهد داشت.

بنابراین می‌توان چنین گفت پیش‌نویس ضمن توسعه‌ی دعاوی غیر قابل ارجاع به دادرسی، به ابهام و اختلاف حقوقدانان در خصوص محدودیت مندرج در اصل ۱۳۹ قانون اساسی پایان داده است و به موجب آن در مواردی که دولت به عنوان یک شخص خصوصی اقدام به فعالیت تجاری می‌نماید از شمول این محدودیت خارج است. در این قانون، دعاوی طاری و دعاوی متقابل و ایرادات نیز مد نظر قانونگذار قرار گرفته است که بر جامعیت آن می‌افزاید. همچنین پیش‌نویس، احکامی را درباره اتخاذ تصمیم داور درباره صلاحیت خود و موافقتنامه دادرسی، امکان جرح داور، امکان دستور موقت و قرار تأمین، وکالت در دادرسی پیش‌بینی شده است. پیش‌نویس اقسام دادرسی و ملاک‌های بین‌المللی بودن دادرسی را گسترش داده است و مقررات دادرسی سازمانی را به تفصیل ذکر نموده است. در مجموع صرف نظر از ایرادات مذکور و جدای از بعضی ایرادات ویرایشی و برخی ضعف‌های نگارشی به لحاظ فن ادبی، پیش‌نویس قانون جامع دادرسی ایران بسیار جامع، مفصل، منسجم و دقیق است، و جوانب مختلف را در نظر گرفته است.

پیشنهادات

۱- در خصوص کتبی بودن موافقتنامه دادرسی، پیش‌نویس در مواد ۲، ۹ و ۱۱ به صراحت بر کتبی بودن موافقتنامه دادرسی تأکید کرده است ولیکن فرازی از ماده ۲ که توافق عملی را دارای آثار موافقتنامه دادرسی دانسته است قدری کار را مشکل نموده و حقوقدانان را دچار سردرگمی می‌نماید که پیشنهاد می‌شود در ویرایش‌های آتی اصلاح گردد.

۲- همچنین پیش‌بینی رسیدگی مجدد توسط داور پس از احراز جهات موجه توسط خود وی (موضوع ماده ۷۳ پیش‌نویس و تبصره آن چندان خالی از اشکال به نظر نمی‌رسد زیرا این امر استثنایی بر قاعده فراغ داور است و در استثنا باید به قدر متیقن اکتفا کرد. لذا پیشنهاد می‌شود قانونگذار موارد آن را به طور حصری اعلام نماید و از واگذاری تشخیص جهات موجه به نظر داور حذر نمود.

۳- لایحه قانون جامع دادرسی بر فرآیند دادرسی تشریفاتی مانند تقدیم درخواست دادرسی، ابلاغ و صدور رأی را افزوده و ساز و کار مناسبی برای آنها در نظر گرفته است که شاید برخی موارد این چنینی و شکلی کردن دادرسی را بخاطر فلسفه وجودی دادرسی مبنی بر سهل الوصول بودن مراجعه به دادرسی برای حل و فصل منازعات نپسندند. ولی در مقابل برخی ممکن است چنین تشریفاتی را برای استحکام نهاد دادرسی لازم بدانند. پیش‌نویس در لحاظ کردن تشریفات، از مقررات ق. آ.د.م در مورد دادگاه‌ها الهام گرفته است، همین‌طور مقررات دادرسی تجاری بین‌المللی را در خود جای داده است و در موارد زیادی، زبانی نسبتاً صریح به کار گرفته است مانند برخورداری آرای دادرسی از اعتبار امر قضاوت شده و فقدان این خصیصه در قرارها. این قانون نسبت به قانون حاکم و نسبت به دادرسی خارجی از خود انعطاف نشان داده است و ممنوعیت انتخاب به عنوان داور به لحاظ داشتن تابعیت بیگانه مرتفع شده است که این خود رویکردی همگون با تحولات دنیای جدید است. در خصوص ورود ثالث در رسیدگی دادرسی هر چند قانون نمونه آنسیترال نیز یکی از شرایط امکان ورود شخص ثالث به دادرسی را عدم ایراد طرفین اصلی دعوی دادرسی دانسته و لایحه قانون جامع دادرسی نیز از آن اقتباس نموده لکن به نظر می‌رسد

وجود این شرط با فلسفه وجودی رسیدگی داوری منافات دارد چرا که ضمانت اجرای عدم حصول شرط را، رسیدگی مستقل به دعوی ورود ثالث در مرجع قضایی دانسته است در چنین صورتی معلوم نیست که تکلیف و سرانجام دعوی داوری چه خواهد شد ایرادات متعددی به وجود خواهد آمد که در رساله بیان شده است بنابراین پیشنهاد می شود شرط رضایت طرفین دعوی داوری حذف گردد چرا که ورود شخص ثالث در دعوی داوری حتی می تواند به روند پرونده و کشف حقیقت از سوی داور کمک شایان توجه ای نماید و رای داوری با حقیقت امر انطباق بیشتری داشته باشد که در قانون اصلاحی ایکسید به همین روش اصلاح شده است. در خصوص نحوه دسترسی داور به ادله اثبات دعوی و تحصیل دلیل با توجه به اینکه آرای داوری به مانند احکام قضایی در دادگستری اجرا می گردد به نظر می رسد ایجاد محدودیت برای داور سبب تضعیف آرای داوری خواهد شد بنا بر این به نظر می رسد لایحه قانون جامع داوری بهتر است در این مورد از قانون نمونه آنستیرال تبعیت نماید.

منابع

- تمجیدی، لادن. (۱۳۹۰). *داوری بین المللی*، چاپ اول، نشر فرهنگ شناسی، تهران.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*، چاپ اول، دوره جدید، انتشارات دانشگاه حقوق و علوم سیاسی، تهران.
- زندى، محمدرضا، (۱۳۸۸). *داوری در رویه قضایی دادگاه های تجدیدنظر استان تهران*، چاپ اول، انتشارات جنگل، تهران.
- سیفی، سیدجمال. (۱۳۷۷). *قانون داوری تجاری بین المللی ایران همسو با قانون نمونه داوری آنستیرال*، مجله حقوقی شماره بیست و سوم
- شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۱). *داوری تجاری بین المللی*، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۵). *دانشنامه حقوقی*، جلد ۴، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران،
- جباری زاده، محمدحسین، (۱۳۹۰). *ضرورت اصلاح قواعد داوری در حقوق ایران*، چاپ دوم، انتشارات شهردانش، تهران.
- خدابخشی، عبدالله. (۱۳۹۳). *مبانی فقهی آیین دادرسی مدنی و تأثیر آن در رویه قضایی*، انتشارات شرکت، چاپ سوم،
- قربانیان، حسین. (۱۳۹۰). *ضرورت اصلاح قواعد داوری در حقوق ایران (مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران)*، انتشارات شهر دانش، تهران.
- محبی، کاویار، محسن، حسین. (۱۳۹۷). *مجموعه مقررات جدید آنستیرال درباره داوری بین المللی*، انتشارات خرسندی، چاپ چهارم.
- محمدی گیلانی. (۱۳۷۸). *قضا و قضاوت در اسلام*، انتشارات سایه - چاپ اول، تهران
- محسنی، حسن و پورطهماسبی فرد، محمد. (۱۳۸۴). *اصل تسلط طرفین دعوا بر جهات و موضوعات دعوا*. مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره جدید، شماره ۱۶

نیکبخت، حمیدرضا، (۱۳۸۸). داوری تجاری بین المللی و آیین داوری، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران.

Abrishami ,Ali,(۲۰۱۵) **Iranian Arbitration law** : The Need for Reform, International 'M Arbitration Law Review, , Issue ۱, Thomson Reuters (Professional) UK Limited and Contributors, , P۱

Born, Gary B. (۲۰۱۱) **International Commercial Arbitration**, Second Edition, Published by Kluwer Law International.

Landolt, Phillip. (۲۰۱۲) “**Arbitrators Initiatives to Obtain Factual and Legal Evidence**, Arbitration International, Vol. ۲۴, No. ۲.

Mosses, Margaret L. (۲۰۱۲) **The Principles and Practice of International Commercial Arbitration**, Second Edition, Cambridge University Press.

Wyss, Lukas F. (۲۰۱۰) "**Trends in Documentary Evidence and Consequences for Pre-Arbitration Document Management**", International Arbitration Law Review, Vol.۱۳.